

بررسی و تحلیل پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی رشته «زبان و ادبیات روسی» در ایران

آبتین گلکار (استادیار گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس)^۱
زینب صادقی سهل‌آباد (دانشجوی دکتری گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس)

۱. مقدمه

یکی از هدف‌های دانش ادبیات تطبیقی، کمک به پژوهشگران در درک کامل‌تر و جامع‌تر ادبیات ملی و روابط آن با ادبیات سایر ملل و بسط دامنه مطالعات ادبی است. پژوهش‌های روشمند موجب پویایی و هدفمند شدن ادبیات تطبیقی خواهند شد و برعکس، پژوهش‌های فاقد نظریه و روش به درجا زدن و پسرفت این دانش خواهند انجامید. یکی از راه‌های کمک به پیشرفت و بهبود سطح پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، همانند هردانش دیگر، سنجش برون‌دادهای علمی این رشته است. معرفی، بررسی و تحلیل تولیدات علمی در حوزه ادبیات تطبیقی، علاوه بر آن که از اتلاف وقت ناشی از پژوهش‌های مشابه و تکراری جلوگیری می‌کند، می‌تواند سیر تحول و رشد این حوزه از دانش را برای تطبیق‌گران نمایان سازد تا به مدد این شناخت بتوانند از کارآمدترین و صحیح‌ترین روش‌های تحقیق در آثار خویش استفاده کنند.

بروندادهای علمی شامل آثاری مانند کتاب، پایان‌نامه و رساله دانشگاهی، مقاله، طرح پژوهشی و... است. در این نوشتار بر آن بوده‌ایم تا به تحلیل و بررسی پایان‌نامه‌های دانشگاهی در حوزه ادبیات تطبیقی فارسی-روسی و طبقه‌بندی آنها بپردازیم و امیدواریم که حاصل کار بتواند جایگاه این دانش را در حوزه یادشده نشان دهد و راهی برای ارتقای فعالیت‌های آتی و سیاست‌گذاری در این زمینه پیش رو بگذارد. در حال حاضر، حوزه زبان و ادبیات روسی در دوره تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های ایران شامل دو رشته «آموزش زبان روسی» و «زبان و ادبیات روسی» است که در رشته «آموزش زبان روسی» تمرکز بیشتر بر زبان‌شناسی و مهارت‌های آموزشی است و در رشته «زبان و ادبیات روسی» بر ادبیات.

1. Email: golkar@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

رشته «زبان و ادبیات روسی» فقط در دانشگاه تهران دانشجوی می‌پذیرد و نخستین گروه دانشجویان آن در سال ۱۳۸۵ فارغ‌التحصیل شده‌اند. این رشته در ایران مقطع دکترا ندارد. موضوع بررسی این مقاله پایان‌نامه‌های دفاع‌شده در این رشته و این دانشگاه است، چرا که نگاهی به تلاش‌های انجام‌شده برای گردآوری و معرفی برون‌دادهای علمی در حوزه ادبیات تطبیقی در ایران نشان می‌دهد که بسیاری از فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه روابط میان ادبیات فارسی و روسی، از جمله پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد رشته یادشده، از چشم پژوهشگران دور مانده‌اند. علت را پیش از هرچیز باید در آن جست که پایان‌نامه‌های رشته «زبان و ادبیات روسی» به زبان روسی نوشته می‌شوند و در مواردی که اطلاعاتی از آنها به زبان فارسی در منابع موجود نباشد، پژوهشگران ناآشنا به زبان روسی از دستیابی به آنها بازمی‌مانند. برای مثال، ویدا بزرگ‌چمی در سه مقاله جداگانه در ویژه‌نامه «ادبیات تطبیقی» نشریه نامه فرهنگستان (شماره‌های ۳، ۵، ۱۰) گزارشی از وضعیت پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های نوشته‌شده در حوزه ادبیات تطبیقی در ایران ارائه می‌دهد و از جمله در یک مقاله به معرفی پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی پرداخته است، اما همان‌گونه که خود پژوهشگر اشاره کرده است، حتی گردآوری اطلاعات کتاب‌شناختی پایان‌نامه‌ها نیز با دشواری‌ها و موانع فراوان همراه بوده است [۱۴۶-۱۴۸] و از جمله، از حداقل یازده پایان‌نامه دفاع‌شده در گروه زبان روسی دانشگاه تهران در طول سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ (زمان انجام پژوهش) فقط مشخصات پنج پایان‌نامه در این فهرست درج شده است. در پژوهشی جدیدتر با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران» (ایران‌زاده و دیگران) نیز باز بسیاری از مقالات و پایان‌نامه‌های گروه زبان روسی به فهرست راه نیافته‌اند و مثلاً از دست‌کم ۳۸ پایان‌نامه موجود در زمان انجام پژوهش (۱۳۹۳) فقط مشخصات یازده پایان‌نامه در کتاب درج شده است. با توجه به این کمبود، در این مقاله تلاش شده است گزارشی توصیفی از پایان‌نامه‌هایی که در بازه زمانی ۱۳۸۵ (زمان دفاع نخستین فارغ‌التحصیلان رشته «زبان و ادبیات روسی») تا انتهای سال ۱۳۹۵ در حوزه ادبیات تطبیقی فارسی - روسی که توسط دانشجویان این گروه نوشته شده است، ارائه شود.

۲. معرفی پایان‌نامه‌های مورد بررسی

در برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته «زبان و ادبیات روسی» فقط یک درس چهارواحدی به نام «ادبیات تطبیقی (فارسی-روسی)» برای آشنایی دانشجویان با اصول پژوهش‌های تطبیقی پیش‌بینی شده است. البته اکنون که اصل «بومی‌سازی» به عنوان یکی از اصول بنیادین در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و فرهنگی مؤسسات آموزش عالی ایران، به ویژه در حوزه علوم انسانی، مورد توجه جدی قرار گرفته، پیشنهاد شده است تا در سرفصل جدید مقطع کارشناسی رشته «زبان روسی» نیز یک درس دوواحدی با عنوان «تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات روسی» گنجانده شود که بیشتر باید به بحث تأثیر و تأثر مستقیم میان آثار ادبی و نویسندگان این دو کشور بپردازد.

با وجود کم‌شمار بودن تعداد ساعات تدریس «ادبیات تطبیقی» نسبت به سایر دروس، تعداد پایان‌نامه‌هایی که در این رشته و گروه با رویکرد تطبیقی نوشته شده‌اند، بسیار زیاد است: از ۷۱ عنوان پایان‌نامه مورد بررسی فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، تعداد ۵۲ پایان‌نامه در حوزه ادبیات تطبیقی فارسی-روسی است که حدود ۷۳ درصد کل پایان‌نامه‌ها را شامل می‌شود و بیانگر رشد، گسترش و اقبال این حوزه در میان دانشجویان است. فهرست این پایان‌نامه‌ها در جدول زیر ارائه شده است:

ردیف	عنوان پایان‌نامه	نام نویسنده	سال دفاع
۱	شرایط تاریخی اجتماعی بروز موضوعات و مضامین مشترک در آثار آنتون پاولویچ چخوف و صادق هدایت	مژگان فرازی کسمائی	۱۳۸۵
۲	مقایسه سیمای قهرمانان شاهنامه فردوسی و جنگ و صلح لف تالستوی	مهناز نوروزی	۱۳۸۵
۳	مقایسه آثار ایوان سرگنیویچ تورگنوف و بزرگ علوی (سیمای قهرمانان اصلی)	محبوبه حاتمی	۱۳۸۵
۴	مقایسه تطبیقی نمایش‌نامه‌های آنتون چخوف و اکبر رادی	زینب صادقی سهل‌آباد	۱۳۸۵
۵	بررسی تراژدی‌های کوتاه پوشکین و جایگاه	پریسا پورمصطفی	۱۳۸۶

		آثار نویسنده در ادبیات فارسی	
۱۳۸۶	فرنگیس اشرفی	مقایسه داستان‌های کوتاه آنتون پاولوویچ چخوف و محمدعلی جمال‌زاده	۶
۱۳۸۶	طاهره صفری الیزئی	مقایسه اشعار پروین اعتصامی و مارینا ایوانوونا تسویتایوا	۷
۱۳۸۶	فرناز مستوفی	مقایسه جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی در رمان رستاخیز لف تالستوی و اسلام	۸
۱۳۸۸	سمیرا اسماعیلی	بررسی تطبیقی زندگی و آثار ولادیمیر مایاکوفسکی و احمد شاملو و نوآوری آنها در شعر	۹
۱۳۸۸	طیبه نادری	اخلاقیات در گلستان سعدی و داستان‌های تالستوی	۱۰
۱۳۸۸	فرشته مشهدی رفیع	مقایسه و بررسی موتیوهای اصلی در آثار حافظ و نیکالای گومیلوف	۱۱
۱۳۸۹	فاطمه محمدی	بررسی تطبیقی مقوله زمان - مکان در اشعار سهراب سپهری و آنا آخمتوا	۱۲
۱۳۸۹	سعیده طالبی	بررسی سیمای روستاییان در آثار واسیلی شوکشین و محمود دولت‌آبادی	۱۳
۱۳۸۹	زینب‌السادات مطهری	مقایسه قصه‌های عامیانه روسی و فارسی (بر مبنای آثار آلکساندر نیکالایویچ آفاناسیف)	۱۴
۱۳۸۹	مجید رضایی	بررسی تأثیر بن‌مایه‌های اسلامی بر ادبیات قرن طلایی روسیه	۱۵
۱۳۸۹	مرضیه حیدری	بررسی بن‌مایه‌های اصلی شاهنامه ابوالقاسم فردوسی و جنگ و صلح لف نیکالایویچ تالستوی	۱۶
۱۳۸۹	مجید ملاصادقی	بررسی سیمای زنان و کودکان در آثار نویسندگان روسی و فارسی (سیمین دانشور، جلال آل‌احمد، ولادیمیر ناباکوف، آنتون چخوف)	۱۷

۱۸	۱۳۹۰	مرتضی یوسفی	بررسی موضوع جنگ در اشعار قیصر امین‌پور و آلکساندر تواردوفسکی
۱۹	۱۳۹۰	مهديه تاري	جنگ تا صلح در اشعار قیصر امین‌پور و آنا آخمتوا
۲۰	۱۳۹۰	زهرا بهرامی	بررسی تأثیر داستانیفلسفی بر محمدعلی جمال‌زاده (براساس مقایسهٔ ثواب یا گناه جمال‌زاده و جنایت و مکافات داستانیفلسفی)
۲۱	۱۳۹۰	آذر آرام بن‌نیا	بررسی موضوع مرگ در آثار داستانیفلسفی و هدایت
۲۲	۱۳۹۰	سکینه برجی	قهرمان و ضدقهرمان در رمان‌های فولاد چگونه آبدیده شد آستروفسکی و مادر م. گورکی و تأثیر آنها بر رمان همسایه‌های احمد محمود
۲۳	۱۳۹۰	مریم سامعی	مطالعه تطبیقی اسطوره‌های پهلوانی در شاهنامه فردوسی و پهلوانان اسطوره‌ای ادبیات روسیه باستان
۲۴	۱۳۹۰	منصوره نویدی	بررسی تطبیقی موضوع وطن در اشعار نیکالای روبتسوف و محمد تقی بهار
۲۵	۱۳۹۰	ناهید اکبرزاده	بررسی تطبیقی رئالیسم انتقادی در آثار نیکالای واسیلویچ گوگول، ایوان سرگیویچ تورگنوف، محمدعلی جمال‌زاده و بزرگ علوی
۲۶	۱۳۹۰	ظریفه پیاده کوهسار	بررسی آثار یک روز زندگی ایوان دنیسویچ و خانهٔ ماتریونای آلکساندر ایسایویچ سالزنتسین و جایگاه آثار نویسنده در ایران
۲۷	۱۳۹۱	سمیه قهرمانی	بررسی تطبیقی موضوع طبیعت انسیان و تکاملش در رمان‌های تاریخی کلیدر دولت‌آبادی و دن آرام شولوخوف
۲۸	۱۳۹۱	ژیلا رحمانی	بررسی مقایسه‌ای موضوع عشق در آثار ایوان سرگیویچ تورگنوف (آسیا، نخستین عشق، سیلاب‌های بهاری) و رمان چشم‌هایش بزرگ علوی

۱۳۹۱	نرگس عرفانی	بررسی مقایسه‌ای فعالیت‌های آموزشی صمد بهرنگی و لف تالستوی	۲۹
۱۳۹۱	یلدا بیدختی نژاد	مطالعه تطبیقی شخصیت فه‌رمانان آثار ماکسیم گورکی و جلال آل‌احمد	۳۰
۱۳۹۱	مه‌دی‌ه و جیهی	موضوع روشنفکر در آثار آنتون چخوف و جلال آل‌احمد	۳۱
۱۳۹۲	مه‌ناز دارمی	فقر در آثار فیودور داستایفسکی و غلامحسین ساعدی	۳۲
۱۳۹۲	مه‌دی فضلی‌زاده	بررسی نقش مایه‌ها و شخصیت‌های اسلامی در آثار لف نیکالایویچ تالستوی	۳۳
۱۳۹۲	طاهره بیگناه	جایگاه انسان در آثار تالستوی و سعدی	۳۴
۱۳۹۲	مرجان گشانی	زندان در آثار مشاهیر ادب فارسی و روسی (داستایفسکی، بزرگ علوی)	۳۵
۱۳۹۲	فاطمه قاسمی	بررسی تحول درون در پسر سرگئی تالستوی و «شیخ صنعان» عطار نیشابوری	۳۶
۱۳۹۲	رعنا محسنی‌فر	ویژگی‌های شرقی در آثار جنگ و صلح، آنا کارنینا، خوشبختی خانوادگی، اسیر قفقاز، حاجی مراد و قزاقان تالستوی	۳۷
۱۳۹۳	زینب فکر جوان	بررسی طنز در آثار نویسندگان روسیه و ایران (آنتون پاولویچ چخوف و محمدعلی جمال‌زاده)	۳۸
۱۳۹۳	فاطمه محسنی	بررسی تطبیقی افسانه‌های ایرانی و روسی	۳۹
۱۳۹۳	سمیه نوروزی	سیمای مادر در ادبیات روسی و فارسی (براساس رمان مادر اثر ماکسیم گورکی و جای خالی سلوچ اثر محمود دولت‌آبادی)	۴۰
۱۳۹۳	سمانه برجسته	بررسی سیمای زن در آثار نویسندگان روسی و ایرانی (بر اساس آثار آنتون چخوف و هوشنگ گلشیری)	۴۱
۱۳۹۳	آذین طالبان عقدا	طبیعت مشرق‌زمین در شعر شاعران روسی سده بیستم (بر اساس اشعار ایوان بونین، نیکالای گومیلیوف و سرگئی یسنین)	۴۲

۱۳۹۴	مارال سوری	دنیای شرق در آثار لف نیکالایویچ گومیلیوف	۴۳
۱۳۹۴	هانیه جوادی هرزنگ	انسان‌شناسی عرفانی در برادران کارامازوف فیودور داستایفسکی و مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد رومی	۴۴
۱۳۹۴	سمیه زحمتکش	مقایسه اشعار باریس پاسترناک و احمد شاملو	۴۵
۱۳۹۴	سمیه سادات حسینی غفار	مقایسه موضوعی نیایش‌های ایرانی و روسی	۴۶
۱۳۹۴	زهره چالویی	مقایسه اجزای طبیعت در آثار نیما یوشیج و آندری بلی	۴۷
۱۳۹۵	سارا محبوب‌زاده	ادبیات مهاجرت روسی و فارسی (بر اساس آثار نویسندگان معاصر روسیه و ایران: بونین و جمال‌زاده)	۴۸
۱۳۹۵	ملیحه جز سیدمحمد حکیم	نظریه دیالوگ م.م. باختین و جایگاه آن در ایران	۴۹
۱۳۹۵	راهله استاجی آریانی	والری بریوسف و موتیوهای شرقی در آثار او	۵۰
۱۳۹۵	رها رحمانی	موضوعات گمراهی و رستگاری در آثار پدر سرگئی و رستاخیز لف تالستوی و مثنوی معنوی و فیه ما فیه جلال‌الدین رومی	۵۱
۱۳۹۵	الهام نظری	مقایسه تحلیلی سیمای شهر در ادبیات فارسی و روسی	۵۲

توزیع زمانی پایان‌نامه‌ها نیز در جدول زیر قابل مشاهده است:

جمع	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	زمان
۵۲	۵	۵	۴	۶	۵	۹	۷	۳	۰	۴	۴	تعداد پایان‌نامه

۳. روش تحقیق در پایان‌نامه‌ها

با نگاهی به عناوین پایان‌نامه‌های دفاع‌شده می‌توان دید که در بخش قابل توجهی از آنها (نوزده پایان‌نامه) یک درون‌مایه محتوایی (از قبیل جنبه‌های اخلاقی-اجتماعی، سیمای روستاییان، سیمای زن، جنگ، وطن، عشق، مرگ، زندان، گمراهی و رستگاری، فقر و...) در آثار دو یا چند نویسنده از دو ملیت بررسی شده است. سیزده پایان‌نامه به مقایسه مجموعه شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو نویسنده یا دو سبک یا گونه ادبی پرداخته‌اند، و در هشت پایان‌نامه یک مؤلفه ادبی، مانند شخصیت‌پردازی، طنز، کروئوتوپ (زمان-مکان)، عناصر رئالیسم انتقادی، قهرمان و ضدقهرمان در دو یا چند اثر ادبی از نویسندگان ایران و روسیه موضوع تحقیق قرار گرفته است. شمار پایان‌نامه‌هایی که به تأثیر بن‌مایه‌های اسلامی یا جهان شرق بر آثار نویسندگان روس، از قبیل لف تالستوی، ایوان بونین، والرئ بریوسوف، نیکالای گومیلیوف و سرگی یسنین پرداخته‌اند، نسبتاً قابل توجه است و اگر در نظر بگیریم که تا کنون دست کم پنج جلد کتاب درباره تأثیر مشرق‌زمین بر آلکساندر پوشکین، میخائیل لرمانتوف، ایوان بونین، نیکالای گومیلیوف و آنا آخمتوا نیز به قلم دو نفر از اساتید راهنمای این پایان‌نامه‌ها (مرضیه یحیی‌پور و جان‌الله کریمی مطهر) تألیف شده است، آنگاه می‌توان گفت که این رویکرد خاص در پژوهش‌های تطبیقی میان ادبیات روسیه و ایران در حال حاضر از پشتوانه خوبی برخوردار است، برخلاف یکی دیگر از حوزه‌های جالب‌توجه ادبیات تطبیقی، که نه فقط در میان روسی‌دانان، بلکه اصولاً در میان تطبیق‌گران ایرانی، کم‌وبیش مغفول مانده است: بررسی جایگاه نویسنده و آثار او در کشوری دیگر، که در میان پایان‌نامه‌های مورد بررسی، فقط سه عنوان با چنین رویکرد و روشی نوشته شده‌اند و جایگاه آلکساندر پوشکین، آلکساندر سالژنیتسین و نظریه «دیالوگ» میخائیل باختین را در ایران بررسی کرده‌اند. این گونه پژوهش‌های مبتنی بر نظریه دریافت یا پذیرش^۱، که در آنها ملاک و معیار سنجش، در وهله نخست، معطوف به مخاطب و برداشت او از اثر است و نه متکی به خود اثر و آفریننده آن، در حال حاضر یکی از حوزه‌های پرطرفدار ادبیات تطبیقی در غرب به شمار می‌آید و جای آن دارد که در ایران بیشتر به آن بها داده شود. از دیگر

عرصه‌های ادبیات تطبیقی که با نظریه پذیرش پیوند تنگاتنگ دارد و می‌توان آن را یکی از زیرشاخه‌های این نظریه دانست، ترجمه‌پژوهی از دیدگاه ادبیات تطبیقی (نقش متون ترجمه‌شده در پذیرش یک اثر یا یک نویسنده یا ادبیات کل یک کشور در سرزمینی بیگانه) است که باز در فهرست پایان‌نامه‌ها نشانی از آن دیده نمی‌شود، هرچند شمار قابل توجه آثار ترجمه‌شده از ادبیات روسی به زبان فارسی نوید پژوهش‌هایی پرثمر در این عرصه را می‌دهد.

و باز اگر از جنبه‌ای دیگر به روش و مبانی نظری پژوهش بنگریم، غیر از سه پایان‌نامه یادشده که به صورت تک‌پیکره (و نه در مقایسه و تطابق دو یا چند اثر یا نویسنده با یکدیگر) نوشته شده‌اند، در میان چهل و نه پایان‌نامه دیگر، در دوازده پایان‌نامه به مسئله تأثیرپذیری مستقیم نویسنده‌ای از نویسنده دیگر، با ارائه دلایل عینی و مستندات تاریخی اشاره شده است و به این ترتیب، به رغم عدم تصریح استفاده از مکتب فرانسوی در پایان‌نامه‌های مذکور، می‌توان روش تحقیق آنها را مبتنی بر رویکرد مکتب فرانسوی قلمداد کرد، به عبارت دیگر، پژوهشگران دو ادیب یا دو گونه ادبی از ادبیات روسیه و ایران را برگزیده‌اند و سعی در اثبات رابطه تأثیر و تأثری در آنها داشته‌اند. در ۳۷ پایان‌نامه دیگر، محققان به مبانی مکتب امریکایی پای‌بند بوده‌اند، زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی و مانند آن را دلیل بروز مضامین و موضوعات و تیپ‌های مشترک ادبی قلمداد کرده‌اند و در پی یافتن پیوندهای مستقیم میان دو نویسنده نبوده‌اند.

مبنای نظری	تعداد پایان‌نامه	درصد
مکتب فرانسوی	۱۲	۲۴.۴
مکتب امریکایی	۳۷	۷۵.۵
کل پایان‌نامه‌ها	۴۹	۱۰۰

البته این اقبال بیشتر، تا اندازه‌ای به ماهیت مکتب امریکایی نیز مربوط می‌شود، زیرا مکتب امریکایی، به لحاظ ماهیت، طیف گسترده‌تری از موضوعات را شامل می‌شود، ولی در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که از بسیاری حوزه‌های نو که به لطف مکتب امریکایی در دانش ادبیات تطبیقی پدیدار شدند (مانند ارتباط آثار ادبی با

سایر هنرها و علوم) در پایان‌نامه‌های مورد بررسی نشانی دیده نمی‌شود و عملاً از اصول این مکتب فقط برای پرداختن به مقایسه‌هایی استفاده می‌شود که شاهد محکمی برای وجود رابطه تأثیر و تأثر مستقیم وجود ندارد. البته چنین روندی، در کنار مزایای خود، این خطر را نیز در بر دارد که پژوهشگران به دامان یکی از آسیب‌های رایج بیفتند: دست زدن به قیاس‌های مع‌الفارق و تطبیق آثار و نویسندگان و عناصری که هیچ سنخیت ماهوی با هم ندارند، با این استدلال مغالطه‌آمیز که بنا به اصول مکتب امریکایی هر شباهتی می‌تواند دستمایه پژوهش ادبیات تطبیقی قرار گیرد.

در پژوهش‌های انجام‌شده بر پایه اصول مکتب فرانسوی نیز، همان‌گونه که اشاره شد، شمار قابل‌توجهی از پایان‌نامه‌ها به نحوه آشنایی ادیبان روس با ایران و سرزمین‌های شرقی و فرهنگ و آداب اسلامی و شرقی پرداخته شده است.

علاقه به شرق و اقتباس نقش‌مایه‌های شرقی، در سده‌های نوزدهم و بیستم همواره به صورت جریانی دائمی مطرح بوده و بازتاب گسترده‌ای داشته است. این علاقه در نیمه دوم سده نوزدهم به طور محسوسی در روسیه و اروپا گسترش یافت. این مسأله تا حدود زیادی مربوط به بحران جهت‌گیری آثار اروپایی می‌باشد، زیرا در آن دوران، خوانندگان آثار اروپایی و من جمله روسی از نبود مسائل معنوی و روحانی در آن‌ها رنج می‌بردند. نویسندگان و هنرمندان اروپایی در جستجوی راهی برای رفع مشکل نبود ایده‌آل‌های انسانی بودند و در این مسیر به آثار و هنر شرقی پناه برده و با الهام از آنان، با ایجاد ایده‌های مشابه، آثاری آفریدند که نقش‌مایه‌های شرقی از نکات کلیدی آن‌ها محسوب می‌گردد (یحیی پور ۷۸).

این روند در ادبیات روسی نیز، به ویژه در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، نمود بارزی دارد و تحقیقات انجام‌شده در این حوزه گویای آن است که دست‌کم ۱۴۰ شاعر و نویسنده روس در نگارش آثارشان از شرق و اسلام تأثیر پذیرفته‌اند (کریمی مطهر ۱۹۳-۲۰۰). بدین ترتیب می‌توان گفت که هنوز در چارچوب مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی نیز جای کار فراوانی برای تعیین کم و کیف روابط ادبی میان روسیه و ایران وجود دارد و می‌توان به پژوهش‌ها و یافته‌های ارزشمند در این حوزه دل بست.

۴. توزیع موضوعی پایان‌نامه‌ها

در میان ۵۲ پایان‌نامه مورد بررسی، همان‌گونه که قابل‌پیش‌بینی بود، در میان نویسندگان روس، کلاسیک‌های سده نوزدهم با اقبال بیشتری روبه‌رو بوده‌اند: آثار لف تالستوی در ده پایان‌نامه، آنتون چخوف در هفت پایان‌نامه، فیودور داستایفسکی در پنج پایان‌نامه و ایوان تورگنیف در سه پایان‌نامه موضوع پژوهش تطبیقی قرار گرفته‌اند. حتی در میان نویسندگان سده بیستم نیز توجه عمدتاً معطوف به چهره‌های دهه‌های نخست این سده است: آثار ماکسیم گورکی در سه پایان‌نامه و ایوان بونین، نیکالای گوملیوف و آنا آخمتوا هرکدام در دو پایان‌نامه بررسی شده است. یک نکته مثبت آن است که در این فهرست نویسندگانی نیز دیده می‌شوند که در ایران شناخته‌شده نیستند یا اطلاعات درباره‌شان بسیار اندک است، مانند والرئ بریوسوف، آندری بلی، واسیلی شوکشین، نیکالای روبتسوف، آکساندر تواردوفسکی، ولی از سوی دیگر، حتی یک نویسنده معاصر و زنده روس در این پژوهش‌های تطبیقی به چشم نمی‌خورد (البته این نکته در مورد نوزده پایان‌نامه غیرتطبیقی این گروه نیز صدق می‌کند) و خلاء جدی در توجه به ادبیات معاصر روسیه از این آمار مشهود است.

در میان نویسندگان ایرانی وضع به گونه‌ای دیگر است. نمایندگان ادبیات کلاسیک ایران فقط در نه پایان‌نامه در کانون توجه قرار گرفته‌اند (فردوسی در سه پایان‌نامه، سعدی و مولوی در دو، و حافظ و عطار در یک پایان‌نامه) و نویسندگان سی‌ویک پایان‌نامه به بررسی اثری از نویسندگان ایرانی قرن حاضر پرداخته‌اند که در میان آنان گرایش بیشتر به نثرنویسانی مانند محمدعلی جمال‌زاده (پنج پایان‌نامه)، بزرگ علوی (چهار پایان‌نامه)، محمود دولت‌آبادی و جلال آل‌احمد (هرکدام سه پایان‌نامه) است. یک علت این تناسب این است که دانشجویان بیشتر به کار بر روی آثار منثور گرایش دارند تا شعر: در میان پایان‌نامه‌هایی که می‌توان در موضوعشان تفکیکی میان نثر و نظم قائل شد، در سی‌ویک پایان‌نامه آثار منثور دستمایه پژوهش قرار گرفته‌اند و در هفده پایان‌نامه آثار منظوم؛ و به همین دلیل است که نثرنویسان معاصر نسبت به شاعران کلاسیک با اقبال بیشتری روبه‌رو بوده‌اند. جای خالی موضوع دیگری که در این جا به چشم می‌خورد، سهم اندک موضوعات مربوط به نمایشنامه‌نویسی است که فقط در دو پایان‌نامه به آن توجه شده است.

توجه به موضوعات مرتبط با ادبیات عامه، قصه‌ها، افسانه‌ها و حماسه‌ها (حماسه‌های روسی از آنجا که تا سده نوزدهم صورت مکتوب نداشتند و فقط به صورت شفاهی نقل می‌شدند، در زمره ادبیات عامه دسته‌بندی می‌شوند) نقطه مثبتی است که در بررسی این پایان‌نامه‌ها جلب نظر می‌کند. در شرایطی که به گفته‌ی والتین ژوکوفسکی در مقدمه کتاب *اشعار عامیانه ایران*، تا همین صد سال پیش نیز ایرانیان با وجود ستایش رجال ادب خود، هیچ ارزشی برای ادب عامه و مردمی قائل نبودند و آن را چیزی جز «حرف مفت و بی‌معنی» نمی‌دانستند (آن هم «نه تنها در میان مردم عادی، بلکه در میان طبقه تحصیل کرده و با فرهنگ») (ژوکوفسکی ۱۶)، پرداختن به چنین موضوعاتی، به ویژه از منظر ادبیات تطبیقی، بسیار مفید و ضروری به نظر می‌رسد، چرا که از محتوای همین پایان‌نامه‌ها و نیز پژوهش‌هایی که خود روس‌ها انجام داده‌اند، مشخص می‌شود که بسیاری از قصه‌ها، افسانه‌ها و حماسه‌های روسی ریشه ایرانی دارند و اغلب با واسطه اقوام قفقازی از ایران به روسیه سفر کرده‌اند.

در میان پایان‌نامه‌های مورد بررسی، هم موضوع تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادبیات روسی مورد توجه بوده است و هم موضوع تأثیرگذاری آن. چنان‌که از بررسی پایان‌نامه‌های مورد مطالعه برمی‌آید و قابل‌پیش‌بینی هم بود، تأثیرگذاری ادبیات ایران بر ادبیات روسیه عمدتاً به لطف آثار شاعران کلاسیک ما صورت پذیرفته است و نشانی از تأثیرگذاری بر ادبیات معاصر روسیه به چشم نمی‌خورد. این مسئله خود نشان از ناآشنا بودن جامعه روسیه با ادبیات معاصر فارسی دارد و از سویی دیگر می‌تواند بیانگر سیر نزولی ادبیات ما در دوره معاصر باشد. اما در موضوع تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادبیات روسی با نام ادیبانی چون محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، اکبر رادی، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، احمد شاملو و... مواجه می‌شویم که هم در شعر، هم در نثر و هم در نمایشنامه‌نویسی از هم‌تایان روس خود تأثیر پذیرفته‌اند.

و سرانجام باید به این نکته اشاره کرد که هیچ‌برونداد قابل‌ملاحظه‌ای در حوزه مکتب‌ها، نظریات، روش‌شناسی و کلیات ادبیات تطبیقی روسی-فارسی انجام نشده است و تمام نمونه‌های مورد بررسی به تحلیل نمونه‌های عملی پرداخته و از طرح اصول نظری دوری جسته‌اند. البته درک می‌توان کرد که با توجه به محدودیت زمان

تحقیق در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های ایران (که نابخردانه و تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی پیوسته محدود و محدودتر نیز می‌شود)، دانشجویان مجال کافی برای کار روی مسائل نظری را نداشته باشند و دایره موضوعات پایان‌نامه‌ها ناگزیر از تحلیل‌های موردی و عملی فراتر نرود و موضوعات نظری بیشتر به دوره دکتری موقوف شوند. ولی در این میان، جای پژوهش‌هایی در زمینه مکتب اروپای شرقی ادبیات تطبیقی (اگر اصولاً قائل به وجود چنین مکتبی باشیم، که بسیاری از صاحب‌نظران نیستند)، معرفی شخصیت‌های برجسته ادبیات تطبیقی روسیه، تأثیر فرمالیسم روسی یا نظریات باختین بر ادبیات ایران و مانند این موضوعات، که با تکیه بر منابع دست اول روسی انجام شوند، بسیار خالی به نظر می‌رسد. و البته آن طور که از محتوای اغلب پایان‌نامه‌ها برمی‌آید، اغلب دانشجویان از نظر تسلط بر مباحث نظری ادبیات تطبیقی ضعف دارند و در نوشته‌هایشان اشاره‌هایی بسیار گذرا به مسائل نظری و روش‌شناختی دیده می‌شود.

۵. مسائل ساختاری پایان‌نامه‌ها

گذشته از ضعف مبانی نظری که در بالا به آن اشاره شد، یکی از اشکالات رایج در اکثر قریب به اتفاق پایان‌نامه‌های موردبررسی ضعف در معرفی ویژگی‌های پژوهش در بخش آغازین کار است. بیشتر این پایان‌نامه‌ها فاقد پیشینه پژوهش‌اند و هرچند فهرست منابعشان نشان می‌دهد که از منابع معتبر و به‌روز و قابل‌قبولی سود جستند، باز فقدان این بخش موجب می‌شود خواننده نتواند در مورد میزان نوآوری پژوهش و مطرح بودن مسئله در مجامع علمی و آکادمیایی به داور قطععی و صائبی دست یابد. روش و هدف کار نیز در بسیاری از موارد تعریف نشده است و خواننده خود باید در مورد این‌که آیا هدف از پژوهش مثلاً اثبات رابطه تأثیر و تأثر است یا بروز فلان شباهت در اثر مشابهت‌های تاریخی - اجتماعی، به نتیجه‌ای برسد. البته این اشکالات اغلب جنبه صوری و ظاهری دارند و با استناد به آنها نمی‌توان منکر یافته‌ها و نتایج پژوهش شد، ولی به هر حال وجودشان در پایان‌نامه به وضوح و دقت علمی مطالب کمک فراوانی خواهد کرد.

اشکال دیگری که در شماری از پایان‌نامه‌ها به چشم می‌خورد، آن است که تحلیل آثار یا نویسندگان مورد بررسی نخست به طور کامل مجزا از هم و در فصول جداگانه انجام می‌پذیرد و سپس در بخش «نتیجه‌گیری» به شکل خلاصه و گذرا به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در آنها اشاره می‌شود و مهم‌ترین بخش پژوهش بسیار فشرده و بی‌رمق از آب درمی‌آید. نتیجه کار در پایان‌نامه‌هایی که کار مقایسه را از همان آغاز کرده‌اند و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو سوی مقایسه را پایه‌ای هم پیش می‌برند، به شکل قابل توجهی بهتر است.

در عوض، فهرست منابع پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی کارشناسی ارشد رشته «زبان و ادبیات روسی» را باید یکی از نقاط قوت کلی این بروندهای علمی دانست، پیش از هرچیز به آن علت که پژوهش‌های انجام‌شده با استفاده از منابع دست اول و از زبان اصلی است و به این شکل یکی از شرایطی را، که بنیان‌گذاران دانش ادبیات تطبیقی برای محقق این علم ضروری می‌دانند (دانستن زبان خارجی و استفاده از متون به زبان اصلی)، دارا هستند. استفاده متناسب و قابل قبول از منابع قدیمی و جدید نیز یکی از نقاط قوت کلی در پایان‌نامه‌های مورد بررسی است.

۶. میزان استخراج مقاله‌های علمی-پژوهشی از پایان‌نامه‌های مورد بررسی

انتشار مقاله یکی از شیوه‌های متداول تولیدات علمی در کشور ما محسوب می‌شود. انتشار مقاله مستخرج از پایان‌نامه، تا اندازه‌ای، می‌تواند یکی از شاخص‌های گویا در مورد کیفیت قابل قبول پایان‌نامه به شمار آید و میزان نوآوری پایان‌نامه‌ها را نیز آشکار سازد. بررسی پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی رشته «زبان و ادبیات روسی» نشان می‌دهد که از ۵۲ پایان‌نامه مورد بررسی، ۲۱ مقاله استخراج شده و در مجلات علمی-پژوهشی ایرانی یا روسی به چاپ رسیده است. نسبت این تعداد به کل پایان‌نامه‌ها حدود ۴۰ درصد است که، فارغ از کیفیت آنها که نیاز به ارزیابی و پژوهش جداگانه دارد، به نظر می‌رسد از لحاظ کمی رقم قابل قبولی باشد.

۷. نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی آنچه گفته شد، می‌توان تصویر کلی موضوعات ادبیات تطبیقی در پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد رشته «زبان و ادبیات روسی» را به شکل زیر ترسیم کرد:

در حال حاضر، اکثر دانشجویان این رشته و مقطع ترجیح می‌دهند موضوع پایان‌نامه خود را با رویکردی تطبیقی انتخاب کنند، به گونه‌ای که تقریباً ۷۳ درصد از پایان‌نامه‌های دفاع‌شده، در حوزه ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرند. این در شرایطی است که از ۲۸ واحد درسی این رشته تنها ۴ واحد به درس «ادبیات تطبیقی» اختصاص یافته است، ضمن آن‌که برای آموزش این درس نیز هنوز کتاب درسی و منبع مشخصی وجود ندارد. تأثیر منفی این دو عامل (کمبود ساعات درس «ادبیات تطبیقی» و نبود منبع) در روش‌شناسی و کمبودهای ساختاری و نظری برخی از پایان‌نامه‌ها نمایان می‌شود که نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر به آموزش مبانی نظری، روش تحقیق و مکتب‌های ادبیات تطبیقی است. البته این مشکل مختص رشته زبان و ادبیات روسی نیست و جنبه عام دارد و بیش از هر چیز، ناشی از آن است که ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ایران هنوز به شکل یک رشته مستقل راه‌اندازی نشده است. هرگاه این گام اساسی برداشته شود، همکاری استادان متخصص رشته ادبیات تطبیقی با گروه‌های زبان خارجی دانشگاه‌ها می‌تواند در بهبود سوبه‌های نظری پژوهش‌های تطبیقی در این گروه‌ها نقش سازنده‌ای بازی کند. از سوی دیگر، نقطه قوتی که در اکثریت قریب به اتفاق پایان‌نامه‌های این گروه (و به طور کلی سایر پژوهش‌های تطبیقی گروه‌های زبان خارجی در دانشگاه‌های کشور) دیده می‌شود، آشنایی دانشجویان با زبان و فرهنگ ملت بیگانه و استفاده از متون اصلی و منابع دست اول است، چیزی که، برعکس، بسیاری از اوقات در پژوهش‌های انجام‌شده در گروه‌های زبان فارسی دانشگاه‌ها به چشم نمی‌خورد و تکیه بر منابع فارسی و ترجمه‌ای موجب بروز کاستی‌هایی می‌شود.

در میان پایان‌نامه‌های بررسی‌شده می‌توان دست‌کم دو موضوع کلی را مشخص کرد که با اقبال بیشتری در میان دانشجویان و استادان راهنما روبه‌رو بوده‌اند و به‌وجودآورنده نوعی پیشینه و سنت علمی برای پژوهش‌های آتی به شمار می‌آیند: یکی تأثیر مشرق زمین و نقش‌مایه‌های ایرانی - اسلامی بر ادیبان روس و باز نمود این تأثیر در آفریده‌های آنان، و دوم پژوهش‌های تطبیقی در گونه‌های مختلف ادبیات عامه. در همان حال، جای خالی برخی از موضوعات و زمینه‌ها نیز در فهرست پایان‌نامه‌ها به چشم می‌خورد، مانند بررسی آثار نویسندگان معاصر روسی، بررسی جایگاه نویسندگان روس در ایران و

پژوهش‌های مبتنی بر نظریه پذیرش، پژوهش‌های مبتنی بر نقش و جایگاه ترجمه در روابط ادبی ایران و روسیه. ضمن آن‌که تاکنون تقریباً همه پایان‌نامه‌های تطبیقی دفاع‌شده به بررسی نمونه‌های موردی^۱ اختصاص داشته‌اند و از مطالعات نظری نشانی به چشم نمی‌خورد.

در پایان باید یادآور شویم که پژوهش حاضر بیشتر رویکردی توصیفی داشته است، در حالی که برای به دست آوردن تصویری کامل از وضعیت پایان‌نامه‌های موردبررسی بی‌شک به پژوهش‌های تکمیلی (که به ویژه به تحلیل و ارزیابی محتوا و یافته‌های پایان‌نامه‌ها پردازند)، نیاز است.

منابع

- ایران‌زاده، نعمت‌الله، محمد امامی، مجتبی عابدی. کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران. تهران: علم و دانش، ۱۳۹۳.
- بزرگ چمی، ویدا. «کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های ادبیات تطبیقی در ایران». ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). ش ۲/۱ پیاپی ۳ (۱۳۸۹) صص ۲۲۱-۲۳۸.
- ژوکوفسکی، والتین. ادبیات عامیانه ایران (در عصر قاجاری). به اهتمام، تصحیح و توضیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
- کریمی مطهر، جان‌الله و مرضیه یحیی‌پور. الکساندر پوشکین و مشرق زمین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
- یحیی‌پور، مرضیه، جان‌الله کریمی مطهر و زینب صادقی سهل‌آباد. نیکالای گومیلیوف و مشرق زمین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.